



دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

«فقه ۳»

رشته تفسیر و علوم قرآن

کتاب الأطعمة و الأشرية

درس ۱۳

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای مصطفی عسگری

مقدمه

در درس گذشته، با آغاز بحث حیوانات خشکی، ضمن تقسیم این حیوانات به اهلی و وحشی، موارد حلال و حرام از هر دسته را بر شمردیم. شش مورد از حیوانات اهلی، و پنج مورد از حیوانات وحشی حلال گوشتند.

در درس حاضر و درسهای بعدی، ادله این احکام مطرح خواهد گشت.

متن درس

و المستند فى ذلك:

١- اما حلية الانعام الثلاث

فهى من ضروريات الدين. و يدل عليها مضافالى ذلك:

أ- قوله تعالى: وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَكْلُونَ،^١

وَمِنْ الْأَنْعَامِ حُمْوَةٌ وَفَوْشًا كُلُّوا مَا رَزَقَكُمْ اللَّهُ وَلا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ * ثَانِيًا أَوْ زَوْجٍ مِنَ الضَّلَانِ اثْنَيْنِ وَمِنْ الْمَرْءِ اثْنَيْنِ قُلْ أَلَذَّكُوْى حَرَّمَ أَمِ الْأُنثِيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامٌ الْأُنثِيَيْنِ نَسِيْنِى بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * وَمَنِ الْإِنْلِ اثْنَيْنِ وَمَنِ الْبَقْدِ اثْنَيْنِ قُلْ أَلَذَّكْرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثِيَيْنِ...^٢

ب- و بقطع النظر عن ذلك يكفينا اصل الحل.

٢- و اما حلية لحم الخيل و البغال و الحمير

فهى المشهور بين الاصحاب. و نسب الخلاف الى الشيخ المفيد و الحلبي حيث حرّم الاول البغال و الحمير و الهجين من الخيل،^٣ و الثانى خصوص البغال.^٤

و تدل على الحلية - مضافا الى الاصل - صحيحة محمد بن مسلم و زرارة عن ابى جعفر (عليه السلام): «أنهما سألاه عن اكل لحوم الحمر الاهلية فقال: نهى رسول الله (صلى الله عليه و آله) عن اكلها يوم خبير و انما نهى عن اكلها فى ذلك الوقت لأنها كانت حمولة الناس و انما الحرام ما حرّم الله فى القرآن»،^٥ و صحيحة محمد بن مسلم الاخرى عن ابى جعفر (عليه السلام): «سألته عن لحوم الخيل و البغال و الحمير فقال: حلال و لكن الناس يعافونها»^٦ و غيرهما. و فى مقابل ذلك نصوص دلت على النهى عن اكلها، من قبيل صحيح ابن مسكان : «سألت ابا عبدالله (عليه السلام)... عن اكل الخيل و البغال فقال: نهى رسول الله (صلى الله عليه و آله) عنها و لا تأكلها الا ان تضطر اليها»،^٧ و صحيح سعد بن سعد عن الرضا (عليه السلام): «سألته عن لحوم البراذين^٨ و الخيل و البغال فقال: لا تأكلها».^٩

^١ . النحل: ٥.

^٢ . الانعام: ١٤٢-١٤٤.

^٣ . الهجين هو ما كان احد ابويه غير عربى.

^٤ . جواهر الكلام، ج ٣٦، ص ٢٤٨.

^٥ . وسائل الشريعة، ج ١٦، ص ٣٩٠، الباب ٤ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ١.

^٦ . وسائل الشريعة، ج ١٦، ص ٣٩٣، الباب ٥ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ٣.

^٧ . وسائل الشريعة، ج ١٦، ص ٣٩٣، الباب ٥ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ١.

^٨ . البرذون هو التركى من الخيل فى مقابل العرب.

^٩ . وسائل الشريعة، ج ١٦، ص ٣٩٤، الباب ٥ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ٥.

و ذكر في الجواهر ان بالامكان ترجيح الطائفة الاولى باعتبار موافقتها للكتاب الكريم و مخالفتها للعامة.^١
هذا و لكن المناسب الجمع بحمل الثانية على الكراهة فان الاولى صريحة في الجواز و الثانية ظاهرة في التحريم، و
العرف يجمع بتأويل الظاهر بحم له على الكراهة بقرينة الصريح . و عليه فالتعارض غير مستقر لامكان الجمع العرفي
بينهم، و معه لاتصل النوبة الى اعمال المرجحين السابقين فان اعمال المرجحات فرع التعارض المستقر، و المفروض
عدمه. و من خلال الجمع العرفي المتقدم اتضح وجه الحكم بكراهة اكل لحم الثلاثة.

^١ . جواهر الكلام، ج ٣٦، ص ٢٦٩.

دلیل و مستند حلیت انعام ثلاث

حلیت انعام ثلاث، یعنی شتر، گاو و گوسفند از ضروریات دین اسلام است و سنی و شیعه معتقد به حلال بودن انعام ثلاثه هستند. علاوه بر این مصنف به آلتی از قرآن هم تمسک می‌کند. اگر این آلت شریفه و اجماع اصحاب هم وجود نداشت، اصالت الحل برای دلالت بر حلیت انعام ثلاثه کافی بود.

مستند حلیت اسب و قاطر و خر

حلیت اسب و قاطر و الاغ بین اصحاب مشهور است. از لفظ مشهور معلوم می‌شود که مخالفانی هم وجود دارند که گوشت آنها را حرام می‌دانند. یکی از مخالفان شیخ مفید و دیگر ابوالصلاح حلبی است؛ شیخ مفید گوشت قاطر و الاغ و اسب غیر عربی را حرام می‌داند و حلبی قائل به حرمت گوشت قاطر است.

دلیل بر حلیت اسب، قاطر و الاغ اصالت الحل است، علاوه بر اصالت الحل صحیح محمد بن مسلم و زراره هم دلالت بر حلیت آنها دارد؛ محمد بن مسلم و زراره از امام باقر (علیه السلام) درباره خوردن گوشت الاغ اهلی می‌پرسند، امام (علیه السلام) می‌فرماید: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جنگ خیبر از خوردن گوشت آن نهی فرمود ولی نهی پیامبر موقت بود؛ زیرا در جنگ خیبر حیوان بارکشی کم بود. سپس امام می‌فرماید: حرام، آن چیزی است که خدا حرام کرده است.» صحیح دیگر هم از محمد بن مسلم موجود است که او از امام (علیه السلام) در مورد گوشت اسب و قاطر و الاغ می‌پرسد، امام (علیه السلام) به صراحت می‌فرماید: «گوشت آنها حلال است، اما مردم خوردن گوشت آنها را ترک کردند.» این روایات بیانگر حلیت خوردن گوشت اسب و قاطر و الاغ است.

تطبیق

و المستند فی ذلک:

مستند احکام حیوانات خشکی:

۱- اما حلیة الانعام الثلاث فیهی من ضروریات الدین. و يدل علیها مضافا الی ذلک:

حلیت چهارپایان سه گانه از ضروریات دین است و علاوه بر آن، آیات زیر نیز بر آن دلالت دارد:

أ- قوله تعالى: وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ^۱ وَ مَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ^۲

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَ فَرَشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ * ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أ مَا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * وَ مِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ...^۳

۱. دِفْء در اصل مصدری است به معنی گرم شدن، سپس برای ما یدفأ به معنی جامه که به آن گرم شوند وضع شده است و اینجا مراد، این معنی است، یعنی جامه‌هایی که از پشم و موی چارپایان بافته شده باشد، که گرمی آن بیشتر است. و عطف منافع بعد از دِفْء تعمیم بعد از تخصیص است. تا سایر فواید چارپایان را نیز شامل شود؛ مثل سوار شدن و بارکردن و شیر و نتاج و غیر آن، و ذکر اکل بعد از منافع، تخصیص بعد از تعمیم بعد از تخصیص است جهت تنبیه بر زیادتی فایده ملبوس و مأکول و اهمیت آن.

۲. النحل: ۵.

۳. الانعام: ۱۴۲-۱۴۴.

الف- قول خداوند تعالی: «چهارپایان را برای شما آفرید، شما از آنان وسیله پوشش خود و منفعت های دیگری به دست می آورید و از آنها می خورید». و در آیات دیگر فرمود: «از چهارپایان برای شما حیوان بزرگ باربردار و حیوانات کوچک را آفرید. از آنچه خداوند روزی شما کرده بخورید و از گام های شیطان پیروی نکنید او برای شما دشمنی آشکار است. هشت زوج، از گوسفند دوتا، از بزها دوتا، بگو خداوند مذکر از این دو را حرام کرده یا مؤنث از آنان را؟ یا آنچه در شکم ماده ها است؟ از روی علم پاسخ دهید اگر راستگویانید. از شتران دو تا و از گاوان دو تا، بگو: مذکر از آنها را حرام کرد یا مؤنث از آنان را...».

ب- و بقطع النظر عن ذلك یکفینا اصل الحل.

ب- با چشم پوشی از موارد فوق، اصالت الحل برای اثبات حلیت آنها کفایت می کند.

۲- و اما حلیة لحم الخیل و البغال و الحمیر فیه المشهور بین الاصحاح . و نسب الخلاف الی الشیخ المفید و الحلبي حيث حرّم الاول البغال و الحمیر و الهجین من الخیل،^۱ و الثانی خصوص البغال.^۲

حلیت گوشت اسب، قاطر و الاغ بین اصحاب مشهور است . مخالفت در این مسئله به شیخ مفید و حلبی نسبت داده شده است که اولی قاطر و الاغ و اسب غیر عربی را حرام دانسته و دومی فقط قاطر را.

و تدل علی الحلیة - مضافا الی الاصل - صحیحة محمد بن مسلم و زرارة عن ابی جعفر (علیه السلام): «انهما سألاه عن اكل لحوم الحمر الاهلیة فقال: نهی رسول الله (صلی الله علیه و آله) عن اكلها یوم خیبر و انما نهی عن اكلها فی ذلك الوقت لأنها كانت حمولة الناس و انما الحرام ما حرّم الله فی القرآن»،^۳

علاوه بر اصل حلیت، صحیحه محمد بن مسلم و زراره از امام محمدباقر (علیه السلام) بر حلیت آنها دلالت دارد. این دو فقیه از امام درباره خوردن گوشت الاغ اهلی پرسیدند، امام فرمود: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) در جنگ خیبر از خوردن آنها نهی کرد و نهی او در آن زمان موقت بود، به سبب این که وسیله باربری آنان بود، ولی حرام آن چیز است که خداوند در قرآن حرام کرده است».

و صحیحة محمد بن مسلم الاخری عن ابی جعفر (علیه السلام): «سألته عن لحوم الخیل و البغال و الحمیر فقال: حلال و لكن الناس یعافونها»^۴ و غیرهما.

در صحیحه دیگر، محمد بن مسلم از امام محمد باقر (علیه السلام) درباره گوشت اسب و قاطر و الاغ پرسید. امام فرمود: «حلال است، لیکن مردم از آن اعراض کرده اند.» و غیر این دو.

۱. الهجین هو ما كان احد ابویه غیر عربی.

۲. جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۲۶۸.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۹۰، الباب ۴ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحدیث ۱.

۴. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۹۳، الباب ۵ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحدیث ۳.

حلیت انعام ثلاثه

۱. از ضروریات دین است

۲. آیاتی از قرآن بر حلیت آن دلالت دارد.

۳. اصالة الحل

حکم اسب، قاطر و الاغ

مشهور بین اصحاب ← حلیت هر سه.

نظر مفید ← حرمت الاغ، قاطر و اسب غیر عربی.

نظر حلبی ← حرمت گوشت قاطر

Sc01: ۱۷:۴۴

روایات معارض در انعام ثلاثه

گفته شد که خوردن گوشت انعام ثلاثه، حلال است و معارضی هم در آن وجود نداشت، اما درباره اسب و قاطر و الاغ روایات صحیحی وجود دارد که در تعارض با روایات حلیت، دلالت بر حرمت گوشت آنها دارد؛ از جمله این روایات صحیح ابن مسکان^۱ است که از امام صادق (علیه السلام) درباره خوردن گوشت اسب و قاطر می پرسد، امام می فرماید: «پیامبر از خوردن آن نهی فرمود تو هم از آن نخور، مگر این که اضطرار داشته باشی». صحیح سعد بن سعد هم بر این موضوع دلالت دارد؛ او از امام (علیه السلام) درباره گوشت اسب ترکی و مطلق اسب و قاطر سؤال می کند، امام می فرماید: آن را نخور. این دو روایت دلالت عدم جواز اکل دارد؛ بنابراین بین دو دسته از روایات تعارض پدید می آید.

حل تعارض

صاحب جواهر عقیده دارد که روایات حلیت بر روایات حرمت ترجیح دارد و دو دلیل بر آن ذکر می کند: **دلیل اول** آن است که روایات دسته اول موافق قرآن بوده و دسته دوم مخالف قرآن هستند؛ و ترجیح با روایات موافق قرآن است.

دلیل دوم مخالفت روایات حلیت با عامه، زیرا اهل سنت گوشت الاغ را حرام می دانند. مصنف نظر صاحب جواهر را قبول ندارد و عقیده دارد تا زمانی که می توان بین دو دسته روایات جمع عرفی نمود، نوبت به تعارض نمی رسد. برای علاج تعارض بین روایات باید به اخبار علاجیه (که بر ترجیح مشهور یا موافق کتاب یا مخالف با عامه دلالت دارد) متمسک شد، اما اگر بین دو دسته روایات، جمع عرفی ممکن باشد احتیاج به مرجحات باب تعارض نیست؛ روایات دسته اول نص در جواز است و روایات دسته دوم ظهور در حرمت دارد، پس به واسطه نص دست از ظهور برداشته می شود و بر کراهت خوردن گوشت اسب، قاطر و الاغ حکم می شود؛ بنابراین اصلاً تعارض مستقر نمی شود؛ زیرا جمع عرفی امکان پذیر است.

^۱ ابن مسکان، نام او عبدالله بن مسکان است و از اصحاب اجماع می باشد.

تطبيق

و في مقابل ذلك نصوص دلت على النهي عن اكلها، من قبيل صحيح ابن مسكان : «سألت ابا عبدالله (عليه السلام)... عن اكل الخيل و البغال فقال: نهى رسول الله (صلى الله عليه و آله) عنها و لا تأكلها الا ان تضطر اليها»^١

در برابر این روایات، احادیثی بر حرمت اكل گوشت آنان دلالت دارد؛ مانند صحيح ابن مسكان که از امام صادق (عليه السلام) حکم خوردن گوشت اسب و قاطر را پرسید، امام فرمود: «پیامبر (صلى الله عليه و آله) از آن نهی کرده، تا زمانی که اضطرار به خوردن پیدا نکردی نخور.»

و صحيح سعد بن سعد عن الرضا (عليه السلام): «سألته عن لحوم البراذين^٢ و الخيل و البغال فقال: لا تأكلها»^٣. و صحيحه سعد بن سعد که از امام رضا (عليه السلام) پرسید: «حکم گوشت اسب ترکی و اسب و قاطر چیست؟ امام فرمود: از آنها نخور.»

و ذكر في الجواهر ان بالامكان ترجيح الطائفة الاولى باعتبار موافقتها للكتاب الكريم و مخالفتها للعامة^٤. صاحب جواهر فرموده است: دسته اول مقدم می شود؛ به سبب موافقت آنها با قرآن و مخالفتشان با عامه هذا و لكن المناسب الجمع بحمل الثانية على الكراهة فان الاول ي صريحة في الجواز و الثانية ظاهرة في التحريم، و العرف يجمع بتأويل الظاهر بحمله على الكراهة بقرينة الصريح.

لیکن مناسب، جمع عرفی است به حمل روایات دسته دوم بر کراهت؛ زیرا گروه اول بر جواز و حلیت اكل گوشت آنها صراحت دارد و دسته دوم ظاهرشان حرمت است و عرف بین این دو با حمل بر کراهت جمع می کند؛ یعنی به واسطه نص در جواز، از ظهور در حرمت دست برمی دارد.

و عليه فالتعارض غير مستقر لامكان الجمع العرفي بينهما، و معه لاتصل النوبة الى اعمال المرجحين السابقين فان اعمال المرجحات فرع التعارض المستقر، و المفروض عدمه.

بنابراین با وجود جمع عرفی، تعارض غیر مستقر می شود تا نوبت به اعمال دو مرجح پیش گفته نرسد؛ زیرا استفاده از مرجحات فرع تعارض مستقر است که در این جا مفقود می باشد.

و من خلال الجمع العرفي المتقدم اتضح وجه الحكم بكراهة اكل لحم الثلاثة.

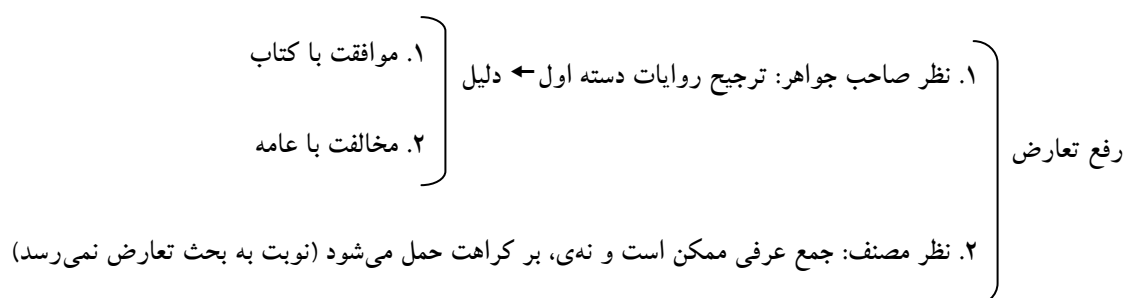
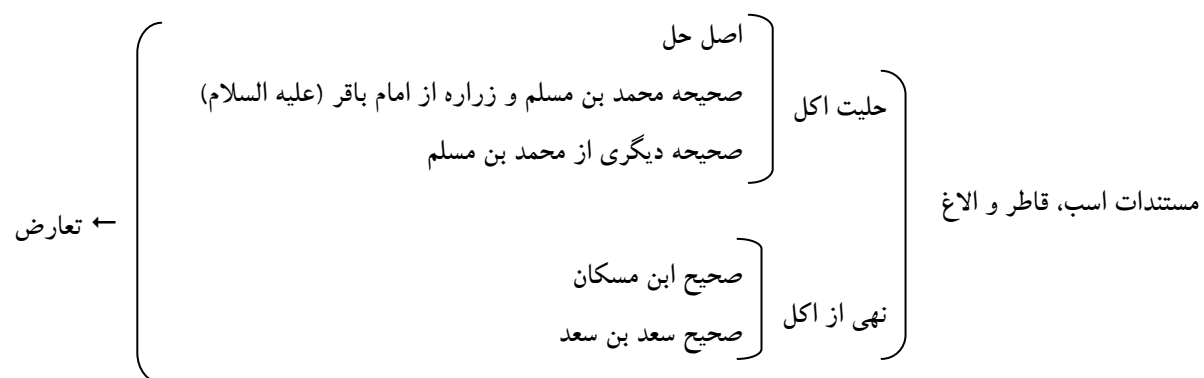
از لابه لای این جمع عرفی معلوم شد دلیل حکم به کراهت چیست.

١. وسائل الشیعة، ج ١٦، ص ٣٩٣، الباب ٥ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ١.

٢. البرذون هو التركي من الخيل في مقابل العرب.

٣. وسائل الشیعة، ج ١٦، ص ٣٩٤، الباب ٥ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ٥.

٤. جواهر الكلام، ج ٣٦، ص ٢٦٩.



Sco۲:۲۸:۳۱

چکیده

۱. حلیت انعام ثلاثه از ضروریات دین بوده و آیه و اصالة الحل بر آن دلالت دارند.
۲. حلیت اسب و قاطر و الاغ بین اصحاب مشهور است، و علاوه بر اصالة الحل صحیحہ محمد بن مسلم و زراره هم دال بر آن است.
۳. درباره اسب، قاطر و الاغ روایاتی مشتمل بر نهی از خوردن آنها نیز موجود است.
۴. صاحب جواهر به جهت موافقت با کتاب و مخالفت با عامه روایات حلیت را ترجیح داده و تعارض را رفع می‌کند.
۵. به نظر مصنف، چون بین دو دسته روایت امکان جمع عرفی وجود دارد، لذا نوبت به تعارض و علاج آن با مرجحات باب تعارض نمی‌رسد. یعنی تعارض بین دو دسته روایت، تعارض مستقر نیست.
۶. جمع بین دو دسته روایت، به این است که به سبب تصریح روایات دسته اول بر جواز، از ظهور روایات دسته دوم در عدم جواز دست برداشته و آن را به کراهت حمل نماییم.
۷. دلایل حکم به کراهت گوشت اسب و قاطر و الاغ، همین روایاتی است که نهی از خوردن گوشت آنها کرده، ولی به کراهت حمل می‌شود.